

## تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/07/19



موضوع: شرائط مطهریت آب

شروط دو قسم است

«یشترط فی التطهیر به امور بعضها شرط فی کل من القلیل و الکثیر و بعضها مختصه بالتطهیر بالقلیل». سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند که شرط است در تطهیر به وسیله آب اموری و این شروط به دو دسته است: دسته اول شروطی است که شامل قلیل و کثیر می شود یعنی هم در آب قلیل شرط است و هم در آب کثیر. و دسته دوم شروطی است که اختصاص دارد به آب قلیل. آن دسته اول را که چهار شرط می شد، بحث کردیم. «و اما الثانی» یعنی شروطی که اختصاص دارد به آب قلیل، «فالتعدد فی بعض المتنجات کالمتنجس بالبول و کالظروف و التعفیر کما فی المتنجات بولوغ الکلب و العصر فی مثل الثیاب و الفرش و نحوهما مما یقبله و الورد أی ورود الماء».

شروط آب قلیل هم دو قسم است

شروطی که درباره آب قلیل مطرح می کنند، دو قسم است: قسم اول از این شروط عبارت است از تعدد در تغسیل که این تعدد در تغسیل مراتب دارد: متنجس به بول و ظروف و تعفیر به وسیله ولوغ کلب و عصر در مثل ثیاب و فرش. که این را تحت یک عنوان آورده اند تعدد و عنوان دیگر هم ورود که آب به شیء متنجس وارد بشود یعنی آب روی شیء متنجس بریزد نه اینکه شیء متنجس داخل آب گذاشته شود. درباره تعددی که گفته شد، خود ایشان در بحث های تفصیلی که بعدا می آید از کلام ایشان استفاده می شود که تعدد اختصاص به ماء قلیل ندارد. تعدد به ماء کثیر هم لازم است و فقط آب جاری براساس نص خاص مره واحده کفایت می کند. و الا در آب کثیر هم تعدد است. این عناوین که الان فهرست شد، همه فرداً فرداً به طور مفصل ضمن مسائل بحث می شود. لذا در این قسمت فقط به این مطلب اکتفاء می کنیم که سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه که این مسئله را شرح

تفصیلی می دهند و در آغاز می فرماید: تعدد در تطهیر اختصاص به آب قلیل ندارد و آب کثیر هم باید تعدد داشته باشد یعنی متنجس به بول در آب کثیر هم باید مرتین تغسیل بشود و مره واحده کافی نیست. و همینطور ولوغ و تعفیر به آب قلیل اختصاص ندارد، آب کثیر هم باید در شکل متعدد مورد استفاده قرار گیرد[1].

در تطهیر به آب قلیل عصر لازم است اما آن مطلبی که در قسمت آخر این شروط آمد را اینجا شرح می دهیم، فرمودند: «و العصر». در تطهیر به آب قلیل عصر لازم است. این عصر که قبلاً هم اشاره کردیم و گفتیم که ما در تطهیر به آب کثیر هم قائل به عصر هستیم. این مطلب را سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه و فقهای دیگر شرح داده اند. در این رابطه ابتداء رأی فقیه همدانی را مورد نظر قرار دهیم.

اشترای عصر در تطهیر ثیاب از دیدگاه فقیه همدانی فقیه همدانی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: عصر در مفهوم غسل مندرج است. غسل کیفیت شرعی ندارد. هر عنوانی که موضوع حکم یا مطلوب شرع قرار بگیرد، اگر از سوی شرع تحدید و تعیین حدودی درباره آن آمده باشد فهو المطلوب و اگر تعیین و تحدیدی نیامده باشد، براساس عرف آن مطلب مورد توجه قرار می گیرد. غسل یعنی شستشو، شرع اعلام نکرده است که غسل را به چه صورت انجام بدهید، فقط گفته است مثلاً «يجب غسل مره واحده أو مرتین» اما نگفته است که کیفیت غسل به چه صورت باید باشد. لذا کیفیت را باید از عرف گرفت. و فقیه همدانی می فرماید که در مفهوم غسل و نظافت، عصر در حقیقت گنجانده شده. برای اینکه غسل یعنی قطع به ازاله نجاست و اگر شک بکنیم استصحاب جاری است. در صورت عدم عصر شک می کنیم که ازاله صورت گرفت یا اینکه ذرات ریز نجس بین آن شئ متنجس باقی ماند، شک در بقاء بکنیم، استصحاب نجاست جاری می شود. بنابراین برای جلوگیری از جریان استصحاب و برای حصول قطع در جهت تحقق ازاله باید عملیات عصر انجام گیرد. بعد در ادامه اشاره می کنند که روایتی هم در این رابطه وجود دارد دالّ بر اینکه عصر لازم است[2].

روایت از فقه رضوی و بحث سند آن این روایت در فقه رضوی آمده است که متن روایت این است که امام رضا می فرماید: «و ان أصابک بول فی ثوبک فاغسله من ماء جار مره و من ماء راكد مرتین ثم اعصره[3]». در این روایت می بینیم که امام می فرماید: اگر بولی اصابت کرد به ثوب، آب جاری بود یک بار و اما اگر آب راكد بود مطلقاً کثیر یا قلیل، مرتین آنگاه عصر شود تا آب از آن شئ متنجس خارج بشود. این حدیث دلالتش در این حد بود. سند این روایت هم سند فقه رضوی است. (اجماع را از اول محققین اصول که اشکال می کنند اما در مقام استدلال همه شان به اجماع استناد می کنند، شهرت را از اول تا آخر اشکال می کنند اما در مقام بحث فقهی می گویند این مشهور است. و مثال سوم مفهوم شرط را بحث می کنند که شرط مفهوم دارد یا ندارد اما در عمل اطلاقا هر نص و روایتی که قضیه شرطیه داشته باشد به آن مفهوم شرط

اعتناء می کنند. فقه رضوی هم اینگونه است که کتاب خودش معروف است و اشکالش هم معروف است که نسبت داده شده است به امام رضا سلام الله تعالی علیه اما ثابت نیست که واقعا از بیان مبارک خود آقا امام رضا این شکل گرفته باشد یا نه، معلوم نیست. ولی در مقام استدلال فقهاء روایت فقه رضوی را می آورد و استفاده می کنند). محدث بحرانی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: عصر در تغسیل لازم است، «یدل علیه ما روی فی الفقه الرضوی[4]». برای اثبات این حکم استناد می کند به این روایت. که ما گفتیم در اعتبار روایت لازم نیست که یک خط برجسته معتبری داشته باشیم، که اگر داشته باشیم مثل صحت سند فهو المطلوب و اگر نداشتیم امتیازات جمع می کنیم تا مجموع امتیازات موجب وثوق به صدور بشود، موضوع حجیت خبر وثوق به صدور است. این وثوق از یک طریق باشد که سند است یا از مجموع امتیازات. در مورد این حدیث خود کتاب که شهرت دارد و صاحب حدائق اعتماد کرده است و فقیه همدانی هم اعتماد می کند. و در آخر محقق همدانی می فرماید: عصر در تغسیل متنجس لازم است الا أن یثبت بالدلیل الخاص خلافه» که درباره آب جاری نص خاص آمده و آنجا ما وجهی داریم. آن آب جاری که با آن جریانی دارد، عصر خود آن جریان است و شرع گفته است برای آب جاری عصر لازم نیست و الا بدون عصر مسئله حل نخواهد نشد.

اما بررسی مسئله

کلام سید الاستاد

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: در ابتداء باید دقت کنیم که فرق است بین غسل و صبّ. در روایات صبّ داریم و غسل داریم. آنجایی که صبّ آمده است می بینیم که صبّ آب عرفا ریختن آب روی شیء نجس است و دیگر هیچ شرایطی ندارد. و اما آنجایی که غسل آمده است مفهوم غسل عرفا متضمن عصر است. لذا در نصوص که مراجعه کنیم عصر و غسل در جواب برای تطهیر از سوی امام بیان شده است. عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن حلبی، سند صحیح اجلائی است. «سالت ابا عبد الله علیه السلام عن بول الصبی قال تصبّ علیه الماء»، درباره بول صبی امام فرمود آب را صبّ کنید یعنی بریزید روی آن. «فان کان قد اکل فاغسله بالماء غسلا[5]»، و اما اگر صبی رسید به سنی که غذا می خورد صبّ دیگر نیست، شستشو کنید. در نصوص هم می بینید فرق بین صبّ و غسل وجود دارد. بعد اضافه می کنند که غسل مفهومی دارد عرفا و شرعا. فرق این رأی با رأی فقیه همدانی این شد که ایشان فرمودند مفهوم غسل که عصر را در ضمن دارد یک مفهوم عرفی محض است اما سیدنا الاستاد استفاده می شود که مفهوم غسل متضمن عصر است اما این تضمن و این اشتراط عصر عرفا و شرعا استفاده می شود. از آنجایی که غسل را در برابر صبّ قرار داده استفاده می شود که غسل، عصر و فشار دادن لازم دارد و صبّ، غسل و فشاری ندارد. بعد از این شرح می دهد مسئله را، می فرماید: پس از که معنای غسل برای ما روشن است، باید بگوییم که مقتضای اطلاق ادله نجاست این است که نجاست باقی می ماند. چنانچه که در موثقه عمار آمده است «فان علمت فقد قدر[6]»، یعنی نجاست دیگر آنجا ثبات پیدا می کند که اگر علم به نجاست پیدا بشود، نجاست باقی است. این بقاء و ثبات نجاست یک مزیل قطعی می طلبد. مزیل قطعی آن باید از سوی

شرع اعتبار شده باشد و عرف هم آن را تایید کند یعنی مورد موافقت شرع و عرف قرار داشته باشد. بنابراین این نتیجه به دست می آید که مقتضای اطلاق نجاست بقاء نجاست است تا وقتی که مطهر شرعی عملیات تطهیر را انجام بدهد که آن تطهیر به نحو کامل عبارت است از تغسیل همراه با عصر. اگر عصری در کار نباشد و فشار داده نشود، تغسیل صورت گرفته اما عصر محقق نشده، شک می کنیم در حصول طهارت، شک در حصول طهارت می شود شک در عدم تطهیر و مقتضای اطلاق نجاست هم بقاء نجاست است [7]. اگر اشکال بشود که چرا سید الخویی به استصحاب تمسک نکرد؟ جوابش این است که فقیه همدانی به استصحاب نجاست تمسک می کند اما سیدنا الاستاد به استصحاب تمسک نمی کند، دلیل آن این است که سیدنا الاستاد استصحاب را در شبهه حکمیه جاری نمی داند و می گوید که استصحاب در شبهه حکمیه همیشه معارض است با استصحاب عدم جعل. بنابراین مقتضای اطلاق این است که نجاست باقی است تا اینکه غسلی با عصر به عمل بیاید. در ادامه می فرماید: یک مویدی از نصوص هم وجود دارد و آن عبارت است از حسنه حسین بن ابی علاء. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد که اشعریها و اجلاء و ثقات هستند، محمد بن یحیی عطار اشعری از مشایخ شیخ کلینی است و احمد بن محمد از اجلاء و ثقات است. علی بن حکم که توثیق خاص دارد عن حسین بن ابی علاء که حسین بن بن ابی علاء مدح و وصفی درباره اش در اختیار داریم و توثیق خاصی درباره اش به ثبت نرسیده. لذا با داشتن مدح به این سند حسنه می گوئیم. «قال سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الصبي يبول على الثوب قال تصب عليه الماء قليلا. ثم تعصره» [8]، آب اندکی روی آن ثوب بریز آنگاه فشارش بدهید که غساله خارج بشود. سید می فرماید: این حسنه را با این سند صحیح و با این صراحت در عصر چرا موید گفتیم و دلیل نگفتیم؟ برای اینکه فرق است بین صبّ و غسل. در صبّ، غسلی نیست و زمینه برای عصر وجود ندارد. عصر در ضمن غسل می آید نه در ضمن صب. چون تطهیر بول صبی نیاز به غسل ندارد بلکه به وسیله صبّ انجام می شود لذا این حدیث را حمل به استحباب می کنیم. از این رو این حدیث را موید ذکر می کنیم و دلیل شمرده نمی شود. در آخر می فرماید: صحیح این است که عصر معتبر است در غسل ولکن روایاتی که بود در حد موید می تواند باشد.

#### ما حصل بحث

عصر معتبر است، برای اینکه عصر در مفهوم غسل عرفا مندرج است. و نصوصی هم در این رابطه داریم که اگر اغماض و تنزل بکنیم بگوئیم این نصوص در حد مویدند اما می توانیم بگوئیم که نصوص هرچند مثل حدیث فقه رضوی و یا مثل این حسنه ابی علاء هرچند مشکل داشت، ولی با عمل اصحاب می شود بگوئیم که از اعتبار فی الجملة برخوردار است اما مع التنزل می گوئیم که عصر در مفهوم عرفی غسل مندرج است و شرع بر خلاف عرف آن هم در صورت عدم بیان چیزی را از مکلف اراده نمی کند و نصوص را در حد مویدات اعلام می کنیم. بنابراین آب قلیل باشد یا کثیر بلا فرق در متنجسات مثل لباس و فرش عصر لازم است اما در آب جاری به جهت نصوص خاص عصر ندارد. چون در آب جاری در حقیقت یک عصر طبیعی از سوی خود آب دارای جریان صورت می گیرد و اگر این نبود، آنجا هم

ممکن بود عصر را اعلام بکنیم.

بررسی اشتراط عصر در آب باران و آب کثیر  
اما می فرماید: درباره آب باران و آب کثیر عصر لازم است یا لازم نیست؟ در اینجا مسئله  
مورد اختلاف نظر بین فقهاء است، نصوص هم داریم که ان شاء الله فردا.

- 
- [1] التنقيح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج4، ص11.
  - [2] مصباح الفقيه، فقيه همدانی، ج1، ص600.
  - [3] فقه الرضوی، باب المیاء و شربها، ص36.
  - [4] الحدائق الناضره، محدث بحرانی، ج5، ص369.
  - [5] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج2، ص1003، ابواب نجاسات، ب3، ح2، ط اسلامیة.
  - [6] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج2، ص1054، ابواب نجاسات، ب37، ح4، ط اسلامیة.
  - [7] التنقيح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج4، ص11 تا 17.
  - [8] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج2، ص1002، ابواب نجاسات، ب3، ح1، ط اسلامیة.